

نقش سوء ادراک در منطق محاسباتی دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی؛ مطالعه موردی غافلگیری در عملیات ۷ اکتبر

علیرضا نادری^۱، هادی تاجیک^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

چکیده

ناتوانی دستگاه اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی در تشخیص حمله ۷ اکتبر و هشداردهی قبل از وقوع سؤالات زیادی درباره توانمندی‌های جامعه اطلاعاتی، به‌ویژه اداره اطلاعات نظامی (آمان) و آژانس امنیتی رژیم صهیونیستی (شاباک) و سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) ایجاد می‌کند. با توجه به این واقعیت، در پژوهش حاضر، در پی پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که؛ «چرا دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و آمریکا دچار چنین غافلگیری شدند؟». دستگاه اطلاعاتی این رژیم با وجود برخورداری کامل از پشتیبانی علمی و فناوری اطلاعات آمریکایی و آگاهی از تقویت نیروهای حماس، چنین ارزیابی می‌کرد که این گروه اهداف خود را تغییر داده و درصدد استقرار حکومت در غزه است. این پژوهش به روش کیفی نقش سوء ادراک در منطق محاسباتی جامعه اطلاعاتی رژیم و آمریکا را این‌گونه تبیین می‌کند که آن‌ها به این نتیجه رسیده بودند که حمله حماس با توجه به تحریک ضد حمله توسط نیروهای اسرائیلی، محتمل نخواهد بود. در صبح روز ۷ اکتبر، رژیم صهیونیستی بدون آنکه از مقاصد حماس اطلاعی داشته باشد، با این حمله غافلگیر شد. این غافلگیری، یک خطای استراتژیک در منطق محاسباتی دستگاه اطلاعاتی این رژیم بود که روابط آن با جهان عرب تحت حمایت ایالات متحده را نیز به محاق برد. چارچوب نظری این تحقیق شامل «تئوری فریب»، «غافلگیری راهبردی» و «جنگ اطلاعاتی» با رویکرد ادراکی است.

واژگان کلیدی: رژیم صهیونیستی، ایالات متحده، طوفان‌الاقصى، غافلگیری اطلاعاتی، سوء ادراک، فریب.

۱. دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

Alireza1993naderi@chmail.com

۲. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده پیامبر اعظم، دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران. رایانامه:

Int.1358@yahoo.com



۱. مقدمه

ژنرال «اران نیو»^۱، فرمانده دفاع سایبری ارتش رژیم صهیونیستی در مقدمه کتاب معروف «روبرت وولستتر»^۲، با عنوان «پرل هاربر: هشدار و تصمیم» که به تازگی در سرزمین‌های اشغالی به چاپ رسیده در خصوص یک غافلگیری قریب‌الوقوع برای این رژیم هشدار داده و می‌نویسد: «غیرممکن است که به‌طور کامل از وقوع غافلگیری‌های بزرگ جلوگیری کنیم، اما قطعاً می‌توانیم کمیت و کیفیت آن‌ها را کاهش دهیم. ارتش اسرائیل نباید بیش‌ازحد از وضعیت فعلی خود راضی باشد. احساس رضایت مضاعف می‌تواند ما را از یادگیری و انتقادپذیری بازدارد. ارتش اسرائیل باید با تمرکز بر آگاهی، کنجکاوی و شجاعت، از لختی سازمانی اجتناب کند». او این کتاب را به افسران عالی‌رتبه ارتش رژیم صهیونیستی ارسال می‌کند و می‌گوید: «این کتاب به ما کمک می‌کند تا عمیقاً در مورد موضوع غافلگیری پند بگیریم و درس‌ها و بینش‌های درستی را کسب کنیم» (وولستتر، ۲۰۲۳: ۹).

در ۷ اکتبر ۲۰۲۳م، تنها چند ماه پس از انتشار این کتاب و توصیه‌های ژنرال نیو، رژیم صهیونیستی با حمله غافلگیرکننده حماس روبه‌رو شد و با ورود نیروهای جهادی به سرزمین‌های اشغالی، تعداد معتابه‌ای پایگاه و اسیر را تقدیم مجاهدان حماس نمود. غافلگیری راهبردی رژیم در این عملیات شباهت بسیاری به غافلگیری ایالات متحده در حمله به بندر پرل هاربر داشت.

رژیم صهیونیستی در طول نیم‌قرن اخیر متحمل چندین عملیات از سوی حماس شده لکن عملیات طوفان الاقصی پیامدهای استراتژیک قابل‌توجهی برای رژیم و همچنین حامی اصلی‌اش ایالات متحده در پی داشت. این موضوع لزوم پاسخ به این سؤال که چه علل و عواملی در پذیرش این غافلگیری راهبردی نقش داشتند را برجسته می‌کند. به‌منظور پاسخگویی به این سؤال در پژوهش حاضر نقش ادراک و سوء ادراک در محاسبات جوامع

1. Eran Niv

2. Roberta Wohlstetter

اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده و به‌طور خاص در غافلگیری ۷ اکتبر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در سازماندهی مقاله حاضر ابتدا ضمن مروری بر ادبیات نظری جنگ اطلاعاتی و مقایسه غافلگیری‌های اطلاعاتی، تاریخچه تقابل‌های حماس و دستگاه اطلاعات و امنیت داخلی رژیم صهیونیستی (شاباک) و اطلاعات ارتش (آمان) را ارائه می‌کنیم. سپس نقش سوء ادراک در این دستگاه‌های اطلاعاتی که به خطا در منطق محاسباتی آن‌ها منجر شد را به‌صورت موردی برجسته می‌نماییم. در بخش تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز علت بروز این سوء ادراک و خطای شناختی ازجمله عملیات فریب رقیب یا نقص در تحلیل جامعه اطلاعاتی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق حاضر با توجه به تخصصی بودن موضوع به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. پیشینه مرتبط با عملیات طوفان‌الاقصى؛ ۲. پیشینه مرتبط با موضوع جنگ اطلاعات.

۲-۱-۱. پیشینه مرتبط با عملیات طوفان‌الاقصى

«گنجیان مقدم» و «جعفری» در مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «تقابل سیاست خارجی ایران- آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی در غرب آسیا» (تأکید بر عملیات ۷ اکتبر و وعده‌ی صادق) (۱۴۰۳) به رویکردهای مختلف تقابلی میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در منطقه ازجمله صبر راهبردی پرداخته و با وام گرفتن از ادبیات اقتصادی پانزی، تحلیلی از ابعاد مختلف منطقه‌ای، اجتماعی و استراتژیک طوفان‌الاقصى را به روش توصیفی ارائه داده‌اند. بر اساس یافته‌های این مقاله الگوی سیاست خارجی آمریکا در منطقه مبنی بر تطهیر جنایات رژیم با شکست مواجه شده و امروزه فلسطین نفوس دنیوی را تسخیر کرده است. این مقاله در زمینه علل شکست اطلاعاتی و تحلیل برآورد دستگاه‌های امنیتی رژیم، خلأ دارد.

«ویرتز»^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «مایکل هندل، ۷ اکتبر و نظریه غافلگیری»^۲ (۲۰۲۴) رویدادهای مربوط به عملیات ۷ اکتبر را با الگوی رایج حملات غافلگیرانه مایکل هندل تطبیق داده است. بر اساس نتایج تحقیق حملات غافلگیرانه راهبردی هم برای دولت‌های قوی خطرناک است و هم باعث آسیب و ضرر زیاد به گروه ضعیف حمله‌کننده می‌شود که با استفاده از اصل غافلگیری در پی ایجاد شگفتی است.

«پورحسن» در مقاله‌ای تحت عنوان «پیامدهای عملیات طوفان‌الاقصی بر توافق ابراهیم» (۱۴۰۲) توقف این پیمان را ناشی از عملیات عنوان کرده و با روش توصیفی-تحلیلی از تحولات متعاقب این عملیات، صلح سرد در میان‌مدت و صلح گرم در کوتاه‌مدت را با توجه به جایگاه فلسطین در کشورهای عربی متنفذ می‌داند. این مقاله در خصوص جایگاه و نقش دستگاه‌های اطلاعاتی در این فرایند تحلیلی ارائه نکرده است.

«مقومی» در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی پیامدهای طوفان‌الاقصی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی» (۱۴۰۳) اثرات منفی امنیتی در ابعاد نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رژیم را بررسی کرده است. نویسنده در این مقاله ناکارآمدی دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم را یکی از عوامل شکست در این عملیات برشمرده و به غافلگیری دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و ادراک نادرست رهبران در خصوص حماس اشاره داشته است.

«محمدی منفرد» مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نتایج عملیات طوفان‌الاقصی بر اساس دکترین نظامی رژیم صهیونیستی» (۱۴۰۲) نگارش کرده است. نویسنده با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی اذعان کرده که رژیم صهیونیستی اصول دکترین نظامی خود در عملیات ۷ اکتبر را شکست‌خورده یافته و ظرفیت و توان ایجاد بازدارندگی در برابر گروه‌های مقاومت را ندارد. این مقاله به موضوع غافلگیری و پنهان ماندن طرح حماس از دید رهبران نظامی و دستگاه اطلاعاتی رژیم اشاره داشته لکن از منظر ادراکی این مقوله را تحلیل نکرده است.

1. Wirtz

2. Michael Handel, October 7, and The Theory of Surprise

«ویس»^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «حمله ۷ اکتبر: ارزیابی نقص‌های اطلاعاتی»^۲ (۲۰۲۴) به شکست اطلاعاتی آشکار رژیم صهیونیستی پرداخته و علل آن را درک نادرست از نیت حماس، سوگیری‌های شناختی و اتکای بیش‌ازحد به برتری تکنولوژیکی اطلاعاتی ایالات متحده و رژیم عنوان کرده است.

۲-۱-۲. پیشینه مرتبط با جنگ اطلاعاتی

«گات»^۳ در مقاله‌ای تحت عنوان «غافلگیری استراتژیک، همیشه؟»^۴ در ژورنال امنیت ملی رژیم صهیونیستی با شاهد مثال قرار دادن حملات غافلگیرانه تاریخی از جمله عملیات ۷ اکتبر به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا و چگونه همواره غافلگیری استراتژیک رخ می‌دهد. نویسنده در این خصوص نگاهی به نواقص تشکیلات اطلاعاتی ارتش رژیم صهیونیستی^۵ داشته که نتایج فاجعه‌باری را در پی داشته است. وی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که هیچ چاره‌ای برای این مشکلات به‌ویژه سوء ادراک در تحلیل اطلاعات وجود ندارد و صرفاً می‌بایست تلاش‌هایی برای تقویت توانایی ارائه هشدارهای قریب‌الوقوع به‌منظور کاهش فروپاشی در صورت بروز غافلگیری انجام شود.

«کلهر» در مقاله‌ای تحت عنوان «اطلاعات در جنگ نامتقارن: درسی از یازدهم سپتامبر» (۱۳۸۱) به موضوع نابرابری‌های تاکتیکی در جنگ‌های نامتقارن و اهمیت برتری اطلاعاتی در این فضا اشاره می‌کند و توصیه‌هایی در خصوص کسب این برتری ارائه می‌دهد. این مقاله همچنین غافلگیری جامعه اطلاعاتی ایالات متحده در عملیات یازده سپتامبر را مورد بررسی قرار داده لکن در خصوص نقش سوء ادراک در این دستگاه سخنی به میان نیاورده است.

«والتز» در کتاب «عملیات و اصول جنگ اطلاعات» (۱۳۹۰) به مفاهیم و نقش جنگ اطلاعات در عصر حاضر پرداخته بر نقش فناوری‌های برتر تأکید کرده است. این کتاب

1. Wyss

2. The October 7 Attack: An Assessment of the Intelligence Failings

3. Gat

4. Strategic Surprise-Always?

5. AMAN

همچنین در بخش جنگ تهاجمی به حوزه مدیریت درک دشمن قبل و حین عملیات ورود داشته است اما در خصوص غافلگیری اطلاعاتی بحث موردی درباره رژیم صهیونیستی ندارد.

«نادری» در رساله دکتری خود تحت عنوان «الگوی تهاجمی تغییر منطق محاسبات ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران» (۱۴۰۴) مباحث نظری در مورد نقش ادراک و سوء ادراک در غافلگیری و اشتباه محاسباتی دستگاه‌های اطلاعاتی را مطرح نموده است. این پژوهش در مورد عملیات طوفان‌الاقصی طرح موضوع نداشته است.

«ویرتز» در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا شکست‌های اطلاعاتی هنوز اجتناب‌ناپذیر هستند؟»^۱ (۲۰۲۳) به پارادوکس وقوع غافلگیری اطلاعاتی در عین وجود هشدارهای قبلی توسط جامعه اطلاعاتی اشاره می‌کند. نویسنده در این پژوهش ضمن مروری بر غافلگیری در عملیات پرل‌هاربر و جنگ یوم کیپور، بروز غافلگیری‌های راهبردی را به دلیل وجود ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی عوامل انسانی تصمیم‌گیر که به ایجاد سوء ادراک در فرایند «جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، هشدار و پاسخ» منجر می‌شود را اجتناب‌ناپذیر عنوان می‌کند.

بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق حاضر نشان می‌دهد که پرداختن به نقش سوء ادراک در محاسبات تحلیل برآوردی دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده در غافلگیری عملیات ۷ اکتبر، نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود.

۲-۲. مبانی نظری

در رویکرد تهاجمی به اطلاعات، انکار اطلاعات یکی از روش‌های ایجاد «سوء ادراک» و گمراهی حریف است که در سطح ادراکی و قلمرو اطلاعاتی انجام می‌شود. اثرگذاری بر ادراک حریف با هدف اثرگذاری بر محیط اطلاعات و مجموعاً کسب برتری اطلاعاتی انجام می‌شود (تاجیک و محمدی منیع، ۱۴۰۰: ۱۴۸-۱۴۲). «نقش»، در اینجا به معنای جایگاه است و میزان اثرگذاری متغیر وابسته سوء ادراک بر منطق محاسباتی دستگاه‌های

اطلاعاتی را نشان می‌دهد. به‌منظور قالب‌بندی بهتر موضوع مورد پژوهش از چارچوب نظری مرکب از نظریات «جنگ اطلاعاتی»، «تئوری فریب» و «غافلگیری راهبردی» با «رویکرد ادراکی» به روابط بین‌الملل بهره بردیم.

۲-۲-۱. جنگ اطلاعاتی

درک نقش اطلاعات در منازعه و در سطح عملیاتی، پایه بسیار مهم جنگ‌های نامتقارن است. هدف از جنگ اطلاعاتی وادار ساختن دشمن (ب) توسط مهاجم (الف) به انجام کاری مطلوب یا درکی نامتناسب از وضعیت است. در چنین شرایطی سه فاکتور اصلی بر تصمیمات (ب) اثرگذار است:

❖ ظرفیت (ب) برای اقدام؛

❖ اراده (ب) برای اقدام؛

❖ درک (ب) از وضعیت.

در اینجا توانایی واکنش یک فاکتور فیزیکی، اراده یک فاکتور انسانی و فهم وضعیت یک فاکتور اطلاعاتی انتزاعی است که برحسب شاخص‌هایی از قبیل صحت، کامل بودن، اعتماد یا تردید و زمان‌بندی ارزیابی می‌شود. تصمیماتی که (ب) اتخاذ می‌کند بر اساس درک وضعیت و آگاهی از ظرفیت خود برای اقدام معین می‌شود. (ب) بر اساس این ادراکات، اقدامات بدیل متصور موجود و پیامدهای احتمالی آن‌ها و قدرت اراده انسانی، واکنش نشان می‌دهد (والتز، ۱۳۹۰: ۲۰).

۲-۲-۲. تئوری فریب

عملیات فریب به‌منظور کسب درجه‌ای از غافلگیری در حملات و گمراهی دشمن جهت اقدام به اعمال غیرمؤثر و آسیب‌پذیر انجام می‌شود (والتز، ۱۳۹۰: ۲۳). در تعریف فریب آمده: «اطلاعاتی که هدف آن دستکاری رفتار دیگران از طریق وادار کردن آن‌ها به پذیرش یک ادراک غلط از واقعیت محیط فیزیکی، اجتماعی یا سیاسی آن‌ها» (ویلی^۱، ۲۰۰۷) و یا «فرایند تحمیل سودمندانه تصویری غلط از ادراک واقعیت در ذهن هدف موردنظر»

(کلارک و میتچل، ۱۳۹۹: ۲۳)؛ اما نکته‌ای که در تعاریف مذکور از قلم‌افتاده این است که اقدام (یا خودداری از اقدام) برای تکمیل فریب شرطی لازم به شمار می‌رود (نادری، ۱۴۰۲: ۶۳).

۲-۲-۳. غافلگیری راهبردی

ناتوانی یک یا چندین بخش از فرایند جمع‌آوری، ارزیابی، تحلیل و تولید اطلاعات به‌منظور ارائه هشدارهای به‌موقع و دقیق که باعث بروز تهدیدات حائز اهمیت در امنیت ملی می‌شود را غافلگیری راهبردی می‌گویند؛ امروزه اصطلاح غافلگیری استراتژیک اغلب برای اشاره به جدیدترین نوع حملات غافلگیرانه استفاده می‌شود. نظریه‌پردازان متعددی چون «مایکل هندل»^۱، «جیمز ویرتز» و «ریچارد بتس»^۲ به تبیین این تئوری در چارچوب مباحث اطلاعات نظامی پرداخته‌اند. بتس، غافلگیری راهبردی را شرایطی می‌داند که احتمال ضربه از سوی طرف متخاصم تشخیص داده نمی‌شود و موضع آسیب‌پذیری تقویت می‌گردد (بتس، ۱۹۸۲: ۴؛ به نقل از قاضی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۵۱). ویرتز نیز پنج عامل اساسی زیر را از جمله دلایل غافلگیری می‌داند:

- ❖ نقص اطلاعات؛
- ❖ فاکتورهای ادراکی؛
- ❖ محدودیت‌های فکری و شناختی؛
- ❖ فرهنگ بوروکراتیک؛
- ❖ الزامات و هزینه واکنش به هشدارها (ویرتز، ۲۰۱۷: ۳۳).

۲-۲-۴. رویکرد ادراکی

روانشناسی ادراکی در سیاست خارجی به این امر می‌پردازد که ذهن انسان‌ها چگونه آنچه را از جهان بیرون به‌عنوان درون‌داد^۳ دریافت می‌کند را پردازش نموده و بر آن اساس عمل

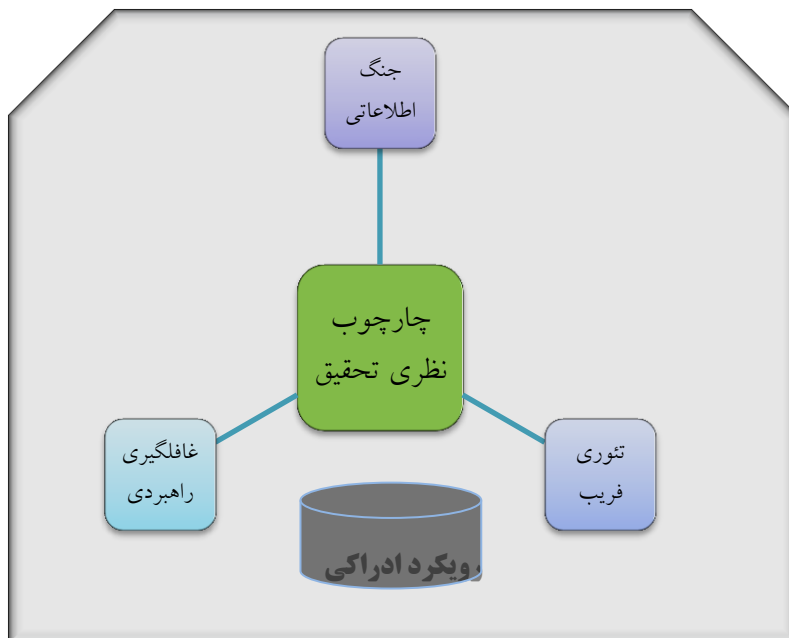
1. Michael Handel

2. Richard K. Betts

3. Input

می‌کند. اینکه جهان پیچیده چگونه در ذهن ساده می‌شود، استدلال‌های انسانی چگونه شکل می‌گیرند و انسان‌ها چگونه به تصمیم می‌رسند در این چارچوب بررسی می‌شود. نظریه‌های روان‌شناسی ادراکی برای توضیح تصمیماتی که مقامات عالی‌رتبه در حوزه سیاست خارجی اتخاذ می‌کنند گاه در پیوند با روان‌شناسی شخصیت اعمال می‌شوند و عمده‌ترین کانون توجه آن‌ها این است که تصمیم‌گیرندگان در عرصه سیاست خارجی که با جهانی بسیار پیچیده روبرو هستند، چگونه به تصمیمات خاص می‌رسند و با وجود حجم بالای اطلاعات موجود در جهان بین‌الملل، در مواقع بحرانی در زمانی کوتاه این اطلاعات را پردازش و به تصمیم منتج می‌کنند (تتلاک و مک‌گوایر، ۱۹۸۶؛ به نقل از مشیرزاده و افراسیابی، ۱۳۹۶: ۸-۹).

مطالعات صورت‌گرفته درباره خطاهای ادراکی از بعد روانشناختی نشان می‌دهد که برداشت‌ها و ادراکات از دشمنان در هنگام منازعات مبتنی بر ادراکات قوم‌مدارانه است؛ این امر باعث می‌گردد در دکترین نظامی دشمن دست‌کم گرفته شود (هندل، ۱۳۸۹: ۳۸۵).



شکل شماره ۱. مدل چارچوب نظری

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش بنیادین حاضر با رویکرد کیفی به تحلیل نقش سوء ادراک دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در غافلگیری ۷ اکتبر پرداخته است؛ بنابراین هدف آن تبیین علل وقوع غافلگیری با تمرکز بر نقش سوء ادراک می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات جستجو در منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی دست‌اول فارسی، لاتین و عبری با رویکرد داده بنیاد بوده است. اطلاعات گردآوری‌شده بعد از پالایش و متناسب‌سازی با چارچوب نظری و موضوع پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

در این بخش ضمن ارائه علل شکست اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی، مروری بر مهم‌ترین تقابل‌های نظامی آن‌ها با حماس خواهیم داشت تا زمینه مناسب برای تجزیه و تحلیل این شکست‌های اطلاعاتی و نقش سوء ادراک در آن‌ها فراهم شود. لازم به ذکر است، به‌منظور رعایت اختصار و تمرکز بر مورد مطالعاتی یعنی عملیات طوفان الأقصى، محوریت تحلیل یافته‌ها را جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی قرار دادیم لکن از آنجایی‌که تمامی عملیات راهبردی، تاکتیکی و اطلاعاتی این رژیم با هماهنگی و پشتیبانی فنی و نظامی جامعه اطلاعاتی ایالات متحده انجام می‌شود؛ بررسی این موضوع بدون پرداختن به نقش آمریکا تکمیل‌کننده بحث نخواهد بود. از این‌رو به این مسئله اشارات مختصری خواهیم داشت.

۴-۱-۱. عوامل شکست اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی

موضوع ناتوانی سیستم‌های اطلاعاتی در ارائه هشدارهای اولیه جهت جلوگیری از حملات غافلگیرانه، برای نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۶۰م. با انتشار کتاب «پرل هاربر: هشدار و تصمیم» مطرح شد. از آن زمان تاکنون، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعاتی سازمان‌های اطلاعاتی-نظامی، چگونگی بهبود قابلیت‌های سازمانی برای جلوگیری از غافلگیری

استراتژیک بوده است. در چند سال گذشته، تمرکز اصلی این سازمان‌ها بر افزایش جمع‌آوری اطلاعات، چه به صورت مخفیانه و چه به صورت آشکار معطوف بوده و آن‌ها این کار را از طریق تحقیقات گسترده و ارتباطات دوجانبه با سایر سازمان‌های اطلاعاتی ملی پیگیری کرده‌اند (بتس، ۲۰۲۲: ۴۵).

بر اساس مطالعات پیشین در اکثر حملات غافلگیرکننده‌ای که از سال ۱۹۳۹م. (۱۳۱۸ شمسی) رخ داده‌اند، جوامع اطلاعاتی در ارزیابی‌های اولیه خود این حملات را غیرمحمول قلمداد کرده‌اند (جنتری و گوردون^۱، ۲۰۱۹: ۳۳). پس از وقوع این حملات نیز تصمیم‌گیران سیاسی و امنیتی انگشت اتهام را متوجه متخصصان اطلاعاتی کرده و آن‌ها را به دلیل عدم پیش‌بینی حمله و ارائه ندادن هشدارهای قبلی سرزنش نموده‌اند. بنابراین می‌توان گفت: «شکست‌ها محصول هشدارهای ناکافی نیستند بلکه نتیجه درک ناکافی از معنی آن هشدارها هستند» (جوزف و مک‌درموت^۲، ۲۰۱۷: ۳۴ و ۱۴۵).

ریچارد بتس ادعا می‌کند که علی‌رغم افزایش منابع و ادوات اطلاعاتی تخصیص‌یافته به سازمان‌های امنیتی، متأسفانه کیفیت اطلاعات استراتژیک افزایش نیافته است. این موضوع در جوامع اطلاعاتی کشورهایمانند آمریکا، بریتانیا و رژیم صهیونیستی مشهود است و این سازمان‌ها با وجود تلاش‌های قابل توجه اطلاعاتی، هنوز تغییرات بزرگی را در زمینه‌های استراتژیک کسب نکرده‌اند (بتس، ۲۰۰۷: ۵۹۲).

عموم محققان بر سر این موضوع که شکست‌های اطلاعاتی اجتناب‌ناپذیر هستند، توافق نظر دارند (بتس، ۱۹۷۸: ۶۲)؛ با این حال، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد منشأ شکست وجود دارد. در قسمت زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

❖ برخی از محققان بر روی دلایل عملیاتی شکست مانند فریب تمرکز می‌کنند که از بی‌توجهی به علائم هشداردهنده از سوی مهاجمان نشئت می‌گیرد (کام^۳، ۲۰۰۴:

(۱۵).

❖ «آریل لویت»^۱ با این دیدگاه غالب که شکست‌های اطلاعاتی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر هستند، مخالف است و استدلال می‌کند در جایی که اطلاعات کافی در دسترس باشد، می‌توان اقدامات دفاعی مناسبی را ترتیب داد (لویت، ۱۹۸۷: ۱۷۶).

❖ «مایکل هاندل»^۲ معتقد است که متخصصان و تصمیم‌گیران اطلاعاتی اغلب در دستیابی به نتیجه صحیح شکست می‌خورند. او مشکل اصلی شکست اطلاعاتی را در مسائل شناختی فعالیت‌های انسانی می‌داند (هاندل، ۱۹۸۴: ۲۳۰).

❖ «اریک دال»^۳ نیز برای توضیح علل شکست اطلاعاتی سه مکتب کلی را مورد شناسایی قرار می‌دهد.

۱. مکتب سنتی: سازمان‌های امنیتی برای جلوگیری از شکست اطلاعاتی باید بر مأموریت‌های راهبردی گسترده‌تر تمرکز کنند.

۲. مکتب اصلاح‌طلب: شکست‌های اطلاعاتی در حوزه‌های اساسی مانند محدودیت‌های سازمانی و بوروکراتیک ریشه دارند.

۳. مکتب مخالف: شکست اطلاعاتی اغلب ناشی از شکست در جمع‌آوری اطلاعات است تا مشکلات مربوط به تجزیه و تحلیل یا حوزه سازمانی (دال، ۲۰۱۳: ۱۲۸).

در خصوص عملیات ۷ اکتبر هرچند به‌مرور زمان ابعاد و اسناد بیشتری منتشر و قضاوت و تحلیل را دقیق‌تر خواهد کرد اما در حال حاضر واضح است که می‌توان این حمله را از نوع حملات غافلگیرانه متمرکز شناسایی کرد. با نگاهی به جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ م. می‌توان پی برد که این حمله نیز یک حمله «غافلگیرانه متمرکز»^۴ بود که دلیل

1. Ariel Levite

2. Michael Handel

3. Eric Dahl

۴. هنگامی که نیروهای آبی ناچار هستند تمامی مبادی آسیب‌پذیر را تحت پوشش قرار دهند، نیروی قرمز (مهاجم) در پی یک عملیات فریب این‌گونه القا می‌کند که حمله‌ای گسترده و همه‌جانبه در تمامی مبادی انجام خواهد شد لکن

شکست جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از ارزیابی نادرست علائم هشداردهنده موجود نشئت می‌گرفت (کمپ^۱، ۲۰۱۱: ۱۵۱). اما حمله اخیر حماس در سال ۲۰۲۳ م. نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلیل شکست جامعه اطلاعاتی در پیشگیری از این حمله، فقدان هشدار اطلاعاتی مشخص در مورد زمان حمله بود. سازمان سیا نیز با نگاهی بالا به پایین و با تکیه بر تصویری که رژیم صهیونیستی از وضعیت غزه ارائه می‌داد به مانند شکست میانجیگری در انتفاضه دوم (میرمحمدی، ۱۴۰۲: ۱۶۰) دچار سوء ادراک از وضعیت حماس بود.

مقایسه بین عملیات پرل هاربر و ۷ اکتبر نشان می‌دهد که هر دو حمله در نتیجه ناکامی در ارزیابی تهدید و سوء ادراک در تحلیل اطلاعات بودند. در نمودار (۱) سوء ادراک‌های مرتبط با ۴ عملیات غافلگیرانه علیه رژیم صهیونیستی و ایالات متحده مقایسه شده است:

پرل هاربر	یوم کیبور	۱۱ سپتامبر	۷ اکتبر
• دست‌کم گرفتن تأثیر حمله غافلگیرانه. • عدم فهم کامل از شدت استیصال مهاجم بالقوه (هندل، ۱۳۸۹: ۳۷۳). • درک عقلانی از طرف مقابل مبنی بر اینکه ژاپن حمله‌ای را انجام نمی‌دهد که در آن پیروز نباشد.	• برآورد ناتوانی مصر برای درهم شکستن مواضع دفاعی رژیم. • عدم درک سرخوردگی جهان عرب. • شرطی سازی جامعه اطلاعاتی رژیم توسط دستگاه اطلاعاتی مصر (کلارک و متچل، ۱۴۰۰: ۳۸). • ملاحظات سیاسی در لغو حمله پیشدستانه (هندل، ۱۳۸۹: ۳۶۷).	• دست‌کم گرفتن اطلاعات. • درک ناصحیح از تهدید. • عدم شناسایی هشدار. • خطای محاسباتی در سنجش اندازه تهدید (کلهر، ۱۳۸۱: ۵۰). • اعتماد به بازدارندگی کافی قدرت ویرانگر ارتش ایالات متحده در برابر تهدیدات نامتقارن.	• عدم توجه به هشدارها. • فریب خوردن از حماس. • درک ناصحیح از وضعیت رقیب. • ادراک مبنی بر تنش‌زدایی. • دست‌کم گرفتن توانایی حریف. • اعتماد به بازدارندگی کافی تجهیزات دفاعی

نمودار شماره ۱. سوابق نقش سوء ادراک در غافلگیری‌های اطلاعاتی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی

حمله خود را به صورت غافلگیرانه تنها در «یک نقطه اصلی متمرکز» انجام می‌دهد. این اصطلاح در تعریف عملیات برق‌آسای آلمان‌ها در جنگ دوم جهانی موسوم به *Blitzkrieg* وارد ادبیات نظامی شد (ریپلی، ۲۰۰۳: ۴۳).

1. Kamp

۲-۱-۴. تاریخچه تقابل شاباک و حماس

تا قبل از پیروزی اکثریت کرسی‌های مجلس فلسطین در سال ۲۰۰۶م. توسط حماس، ارزیابی اولیه شاباک در اوایل دهه ۱۹۸۰م. این بود که حماس و فتح وارد یک رقابت فرسایشی با یکدیگر خواهند شد تا نفوذ خود را در مناطق فلسطینی گسترش دهند و در این رقابت هیچ‌کدام از آن‌ها بر دیگری فائق نخواهد آمد. بااین‌وجود، می‌توان متوجه شد که محاسبات شاباک و ادراکی که به تصمیم‌گیران آن زمان تسری داد، صحیح نبود؛ حماس نه تنها توانست فتح را شکست دهد، بلکه به یک دشمن سرسخت‌تر برای رژیم صهیونیستی تبدیل شد. شاباک و آمان درباره روند نفوذ حماس، ارزیابی‌های اشتباه انجام داده بودند و انتظار پیروزی این گروه در انتخابات فلسطین و تسلط آن بر غزه را نداشتند (الدار، ۲۰۰۹).

سوء ادراک در تحلیل برآوردی دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از پیشرفت‌های حماس و شکست طرح‌های صلح آمریکایی زمینه را برای بروز چهار درگیری عمده میان حماس و رژیم صهیونیستی را فراهم آورد که قبل از پرداختن به عملیات ۷ اکتبر لازم است نگاهی مختصر به آن‌ها داشته باشیم:

۱-۲-۱-۴. عملیات سرب گداخته^۲ (۲۰۰۸)

در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۸م. (۳۰ آذر ۱۳۸۷)، پس از مدتی درگیری بین حماس و نیروهای رژیم صهیونیستی، «یووال دیسکین»^۳ رئیس شاباک اعلام کرد با اینکه حماس خواستار تداوم آتش‌بس است اما هدف اصلی این گروه، بهبود شرایط خود و ورود دوباره به جنگ است. در ۲۲ دسامبر، یکی از مقامات ارشد حماس اعلام کرد که این گروه علاقه‌مند به تمدید آتش‌بس و حتی گسترش آن به مرزهای کرانه باختری است و در صورتی‌که رژیم صهیونیستی از باز کردن گذرگاه‌های مرزی برای ورود کالا به غزه ممانعت کند، حماس علیه این نیروها آتش خواهد گشود. بااین‌وجود، حماس و چند سازمان دیگر در ۲۴ دسامبر

1. Eldar

2. Operation Cast Lead

3. Yuval Diskin

با شلیک بیش از ۶۰ راکت قسام، گراد و خمپاره از غزه به سوی رژیم صهیونیستی، شهرک‌های اشکلون و سدیروت را مورد اصابت قرار دادند.

سه روز بعد در روز ۲۷ دسامبر، رژیم صهیونیستی عملیات سرب گذاخته را برای پاسخ به اقدامات حماس آغاز کرد. این عملیات سه هفته به طول انجامید و در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹م. به اتمام رسید. هدف رژیم صهیونیستی از این عملیات آن بود که به حملات راکتی از سوی غزه پایان دهد و قابلیت‌های نظامی حماس را تضعیف کند (ام.اف.ای^۱، ۲۰۰۸) طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل، در این عملیات ۱۴۰۰ فلسطینی کشته شدند.

شاباک با شناسایی اهداف حماس نقش مهمی در جمع‌آوری اطلاعات این عملیات ایفا کرد؛ این نهاد هم پیش از شروع عملیات و هم در جریان فعالیت زمینی ارتش رژیم صهیونیستی در داخل غزه، توانست اعضا و تأسیسات حماس را به خوبی شناسایی کند. اطلاعاتی که رژیم صهیونیستی در مورد حماس داشت به‌طور کلی خوب بود و ارتش رژیم صهیونیستی با استفاده از این اطلاعات توانست به اهداف خود در غزه شامل نابودی زیرساخت‌های نظامی (به‌ویژه تأسیسات راکتی) و ترور شخصیت‌های کلیدی حماس، دست پیدا کند. همچنین نیروهای رژیم صهیونیستی بر اساس این اطلاعات توانستند تا با آگاهی از اهداف حماس، از حملات نیروهای این گروه به رژیم صهیونیستی جلوگیری کنند (عفو بین‌الملل^۲، ۲۰۲۱).

۲-۲-۱-۴. عملیات ستون دفاعی^۳ (۲۰۱۲)

حماس در اکتبر سال ۲۰۱۲م. (مهر ۱۳۹۱) با شلیک ۱۷۱ راکت و خمپاره طی ۹۲ حمله جداگانه، شهرهای رژیم صهیونیستی را مورد هدف قرار داد (مورفی^۴، ۲۰۱۲). عملیات ستون دفاعی یک عملیات نظامی گسترده توسط ارتش رژیم صهیونیستی بود که با هدف کاهش حملات راکتی حماس علیه غیرنظامیان رژیم صهیونیستی صورت گرفت. عملیات ستون دفاعی یک هفته پس از آغاز با اعلام آتش‌بس و ادعای پیروزی توسط هر دو طرف

1. MFA

2. Amnesty International

3. Operation Pillar of Defense

4. Murphy

به پایان رسید (ای، دی، اف،^۱، ۲۰۱۲) این عملیات نقش بسزایی در تقویت قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی علیه حماس داشت؛ به‌طوری‌که در سال بعد، حملات راکتی از غزه به رژیم صهیونیستی تا ۹۸ درصد کاهش پیدا کرد (وینر،^۲، ۲۰۱۳).

۳-۲-۱-۴. عملیات تیغه حفاظتی^۳ (۲۰۱۴)

عملیات تیغه حفاظتی در ۸ جولای ۲۰۱۴ م. (۱۷ تیر ۱۳۹۳) در پی ربایش و قتل سه نوجوان رژیم صهیونیستی در کرانه باختری به دست شبه‌نظامیان وابسته به حماس، توسط ارتش رژیم صهیونیستی شروع شد. این عملیات هفت هفته طول کشید و سرانجام در ۲۶ آگوست (۴ شهریور) به پایان رسید. این جنگ با ترکیبی از حملات موشکی از سوی حماس و حملات هوایی و زمینی ارتش رژیم صهیونیستی، در نهایت به کشته شدن بیش از ۲۰۰۰ نفر منجر شد که اکثریت آن‌ها را مردم غزه تشکیل می‌دادند (سرمقاله،^۴، ۲۰۱۴).

پس از عملیات تیغه حفاظتی، رژیم صهیونیستی تا حدود زیادی مطمئن بود که به پیروزی بزرگی دست یافته است و بهبودی حماس زمان زیادی طول خواهد کشید. «بنیامین نتانیاها»، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی پس از پایان عملیات گفت:

«حدود هزار نفر از نیروهای دشمن از جمله مقامات ارشد کشته شدند، ما هزاران راکت و راکت‌انداز و همچنین انبارهای مهمات را منهدم کردیم. به‌علاوه، ما تلاش‌های حماس برای حمله از طریق هوا، دریا و زمین را خنثی نمودیم. میزان آسیبی که حماس در این عملیات متحمل شده است، از زمان تأسیسش تاکنون متحمل نشده بود». (کورتز و بروم،^۵، ۲۰۱۴).

1. IDF
2. Winer
3. Operation Protective Edge
4. Editorial
5. Kurtz & Brum

در طول این جنگ دوازده تلاش برای میانجیگری جهت دستیابی به آتش‌بس انجام شد که اکثر آن‌ها توسط رژیم صهیونیستی پذیرفته شد اما حماس آن‌ها را رد کرد (کورتز و بروم^۱، ۲۰۱۴). این عملیات پس از ۵۰ روز درگیری با برقراری آتش‌بس پایان یافت.

۴-۱-۲-۴. عملیات دیوار دفاعی^۲ (۲۰۲۱)

عملیات دیوار دفاعی چهارمین عملیات نظامی بزرگی است که رژیم صهیونیستی در دوازده سال گذشته علیه حماس در غزه انجام داده است. خشونت و تنش بین حماس و رژیم صهیونیستی از ۱۰ ماه می ۲۰۲۱ م. (۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰) و با تظاهرات و شورش فلسطینی‌ها در رژیم صهیونیستی آغاز شد و متعاقب آن با حمله راکتی توسط حماس و جهاد اسلامی فلسطین تشدید یافت.

رژیم صهیونیستی از حمله حماس به شهر قدس غافلگیر شده بود. به گفته یک خبرنگار نظامی برجسته رژیم صهیونیستی:

«ارزیابی‌های آمان و شاباک قبل از شروع عملیات دیوار دفاعی، اشتباه بود. این نهادها طبق اطلاعاتی که جمع‌آوری کرده بودند، به این نتیجه رسیده بودند که یحیی سنوار، رهبر حماس در غزه با حمله به رژیم صهیونیستی مخالف است اما در واقعیت مشخص شد که تصمیم‌گیرنده اصلی حماس، محمد الضیف، رئیس شاخه نظامی این گروه بود که مجوز شلیک راکت به اورشلیم را در ساعت ۱۸:۰۰ دهم ماه می صادر کرده بود» (اس.سی.آی^۳، ۲۰۲۳).

عملیات دیوار دفاعی منحصر به فرد بود؛ چراکه این بار محرک اصلی درگیری بین حماس و رژیم صهیونیستی به تظاهرات داخلی فلسطینیان در رژیم صهیونیستی مربوط می‌شد. تشدید شورش اعراب در رژیم صهیونیستی در «روز اورشلیم» به مجروح شدن ده‌ها تن از فلسطینیان و چندین پلیس منجر شد که بلافاصله پس از آن، این شورش‌ها به شهرهای دیگر رژیم صهیونیستی نیز سرایت پیدا کرد.

1. Kurtz & Brum

2. Operation Defensive Edge

3. SCI

۳-۱-۴. پوشش اطلاعاتی غزه تا قبل از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳

این چهار چرخه جنگ تنها درگیری‌های نظامی عمده با غزه بین سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۱ (۱۳۸۶ الی ۱۴۰۰ شمسی) را نشان می‌دهند. حماس تلاش‌های خود را بین سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۲۳ م. (۱۳۸۶ الی ۱۴۰۲ شمسی) برای تقویت قابلیت‌های تهاجمی و دفاعی تسریع داد؛ این امر مستلزم نظارت دقیق‌تر جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بود. دو سازمان شاباک و آمان، عهده‌دار اصلی چنین مسئولیتی بودند (هارل^۱، ۲۰۲۳). بااین‌حال، طبق گزارش ناظر دولتی که در سال ۲۰۱۷ م. (۱۳۹۶ شمسی) در رابطه با انتقاد از عملیات تیغه حفاظتی (۲۰۱۴) منتشر شد، پوشش اطلاعاتی غزه قبل از این عملیات با شکست سیستماتیک مواجه شده بود. دلیل اصلی آن در این گزارش، عدم همکاری بین دو سازمان مذکور عنوان شده است.

این گزارش همچنین از شکاف‌های اطلاعاتی قابل‌توجهی پرده‌برداری می‌کند که ظرفیت کابینه دولت رژیم صهیونیستی را برای اتخاذ تصمیمات بهینه در طول جنگ تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. گزارش ناظر دولتی نقص‌های جدی و تأثیرگذار جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بین سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۴ م. (۱۳۸۷ الی ۱۳۹۳ شمسی) را بیان کرده است. همچنین این گزارش تأکید می‌کند که دو نهاد شاباک و آمان در انجام تلاش‌های اطلاعاتی خود در مورد تونل‌های زیرزمینی حماس کوتاهی کرده‌اند (اس.سی.آی، ۲۰۲۳).

در واقع، این تونل‌ها با وجود نقش مهمی که در تقویت ظرفیت‌های حماس داشتند، تا سال ۲۰۱۵ م. (۱۳۹۴ شمسی) جزو اولویت‌های نخست جامعه اطلاعاتی قرار نگرفته بودند و تنها در اواخر سال ۲۰۱۴ م. بود که رئیس شاباک به اهمیت اولویت‌دهی به این تونل‌ها اشاره کرد (گرینبرگ^۲، ۲۰۲۳).

افزون بر این، فقدان اطلاعات کافی در خصوص این تونل‌ها باعث شده بود که ارتش رژیم صهیونیستی در عین توانمندی‌اش برای تخریب کامل این زیرساخت‌ها در طول

حضور خود در غزه، صرفاً میزان محدودی از آن‌ها را منهدم کند؛ به عبارتی دیگر، رژیم صهیونیستی (الف) از ظرفیت و توانایی تغییر اراده حماس (ب)^۱ برخوردار بود اما به واسطه فقدان اطلاعات فاقد درک وضعیت بود.

۴-۱-۴. عملیات طوفان الأقصى

در ۷ اکتبر ۲۰۲۳م. حماس حمله ویرانگری را شروع کرد که رژیم صهیونیستی را تکان داد. بر اساس تحقیقات نیویورک تایمز، رژیم صهیونیستی در زمان حمله حماس در ۷ اکتبر به هیچ‌وجه آماده رویارویی با آن نبود. ارتش اسرائیل در این زمان آن‌قدر ضعیف سازماندهی شده بود که سربازان برای ارتباط با یکدیگر به رسانه‌های اجتماعی مانند واتساپ متکی بودند. نیویورک تایمز اضافه می‌کند که ارتش رژیم صهیونیستی در زمان حمله گسترده حماس به این رژیم هیچ برنامه‌ای برای پاسخ به آن نداشت (برگمن و گلدمن^۲، ۲۰۲۳).

به گفته سربازان رژیم صهیونیستی حتی اگر چنین برنامه‌ای جایی در یکی از قفسه‌های بایگانی ارتش وجود داشت، هیچ‌کس برای آن آموزشی ندیده بود. چیدمان کوچک واحدهای ارتش رژیم صهیونیستی در زمان حمله حماس نشان می‌دهد که فرماندهان اساساً تهدید را اشتباه درک کرده بودند. نیروهای ارتش با ظن اینکه این صرفاً یک رویارویی و گروگان‌گیری است، تنها با اسلحه کلت و تفنگ‌های تهاجمی معمولی به مصاف حماس رفتند و آمادگی لازم برای ورود به یک نبرد تمام‌عیار را نداشتند (بلیکوف^۳، ۲۰۲۴).

دولت موقت رژیم صهیونیستی بلافاصله پس از نفوذ حماس و کشتار غیرنظامیان رسماً اعلام جنگ کرد؛ اقدامی که از ۱۹۷۳م. به این سو بی‌سابقه بود. ارتش رژیم صهیونیستی در پاسخ به این حمله عملیات «شمشیرهای آهنین» را پایه‌ریزی کرد. ارتش رژیم صهیونیستی در طی این عملیات با مقاومت شدید شبه‌نظامیان حماس مواجه شده که همین امر موجب کند شدن پیشروی نیروها در غزه گردید.

۱. نیروی الف و ب (رجوع کنید به بخش ادبیات نظری: جنگ اطلاعاتی)

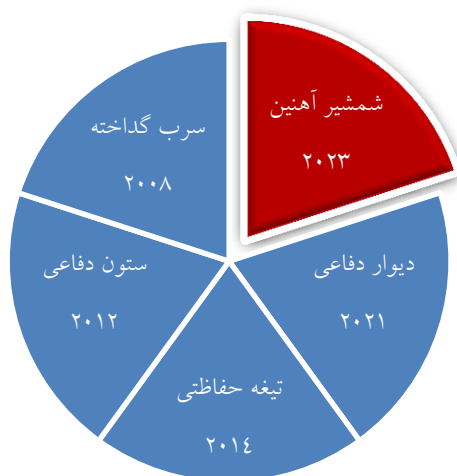
2. Bergman & Goldman

3. Belikov

در زمان نگارش مقاله حاضر، این جنگ همچنان ادامه دارد اما رژیم صهیونیستی به تدریج درصدد کاهش نیروهای نظامی خود در داخل غزه است. به نظر می‌رسد در مرحله بعدی جنگ، رژیم صهیونیستی برخی از واحدهای عملیاتی خود را از غزه خارج کند و تمرکز خود را بر وظایفی از جمله جستجوی رهبران حماس و ازبین بردن زیرساخت‌های نظامی این گروه معطوف نماید. در این بین، شاپاک عهده‌دار دو نقش عمده است:

اول؛ این نهاد در درجه اول باید اطلاعات مورد نیاز در مورد عوامل و تأسیسات نظامی حماس را در اختیار ارتش رژیم صهیونیستی قرار دهد.

دوم؛ باید از طریق عوامل دستگیرشده حماس، به مکان گروگان‌های رژیم صهیونیستی و تأسیسات مخفیانه این گروه دست پیدا کند. این اطلاعات برای پیشروی ارتش رژیم صهیونیستی در غزه و ارائه هشدارهای لازم درباره نقشه‌های آتی حماس بسیار حائز اهمیت است (مک کران^۱، ۲۰۲۳).



شکل شماره ۱. عملیات‌های رژیم صهیونیستی علیه حماس

از عملیات سال ۲۰۰۸ الی ۲۰۲۳ م.، فقط عملیات شمشیر آهین در سال ۲۰۲۳ م. در پی غافلگیری راهبردی در ۷ اکتبر انجام شد و بقیه موارد به‌منظور ارتقای بازدارندگی رژیم طراحی و اجرا شدند.

۴-۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی تاریخیچه تقابل و شکست‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به پشتیبانی دستگاه اطلاعاتی امریکا نشان می‌دهد که مسئله غافلگیری راهبردی به لحاظ نظری اجتناب‌ناپذیر است و دستگاه‌های اطلاعاتی عمدتاً به دلیل سیاسی‌شدن فرایند اطلاعات (هندل، ۱۳۸۹: ۴۰) قادر به پیش‌بینی یک حمله راهبردی قریب‌الوقوع نیستند.

بنابراین سوء ادراک رهبران و مشاوران که سیاسی‌شدن و فریب خوردن نیز جزوی از آن است، از مهم‌ترین عوامل خطای محاسباتی و به‌تبع آن غافلگیری راهبردی محسوب می‌شود. در ادامه عوامل معطوف به عملیات ۷ اکتبر را تجزیه و تحلیل می‌کنیم:

۴-۲-۱. فریب

طرح فریب حماس بسیار موفقیت‌آمیز بود. این سازمان علاوه بر ایجاد برداشت‌های غیرصحیح نزد مقامات رژیم صهیونیستی، از فریب‌های دیگری نیز علیه این رژیم بهره برد. به‌عنوان مثال، در آوریل ۲۰۲۳ م. (فروردین ۱۴۰۲) بخش اطلاعات نظامی فرماندهی جنوب ارتش رژیم صهیونیستی در مورد احتمال نفوذ حماس در جوامع کيبوتص هشدار داخلی صادر کرد (زگارت^۱، ۲۰۲۳).

این هشدار در پی دریافت اطلاعاتی واضح در خصوص تحرکات حماس بود که مطابق آن این سازمان درصدد فعالیت‌های نظامی در داخل این جوامع بود. هشدارهای اطلاعاتی درباره احتمال وقوع چنین حمله‌ای در آگوست آن سال (مرداد ۱۴۰۲) شدت گرفت و اطلاعات جدید نشان می‌داد که چنین حمله‌ای به‌صورت فوری قابل انتظار خواهد بود. ارتش رژیم صهیونیستی با وجود اینکه آمادگی نیروهای خود را در این مدت بالا برد اما

هیچ حمله‌ای رخ نداد. جامعه اطلاعاتی بعد از حمله ۷ اکتبر متوجه شد که این بخشی از طرح فریب گسترده حماس بوده است.

بنابراین، حماس در طول بیش از یک سال آمادگی خود برای حمله ۷ اکتبر، توانست با گمراه کردن جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و ایجاد رضایتمندی کاذب از سیاست‌های پیشین، این‌طور تلقین کند که سیاست‌های رژیم صهیونیستی به اندازه کافی مؤثر و بازدارنده بوده‌اند. در نهایت چنین فریبی زمینه لازم برای حمله ۷ اکتبر را مهیا کرد.

۲-۲-۴. نقص در سازمان اطلاعاتی

یکی از عوامل اصلی شکست اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در حمله ۷ اکتبر در فرهنگ سازمانی شاباک و آمان نهفته است. پس از وقوع انتفاضه اول در سال ۱۹۸۷م، یک بخش تحقیقاتی در شاباک برای رسیدگی به این موضوع تشکیل یافت (جوزف، ۱۳۹۹: ۲۱۶). با وجود اینکه انتظار می‌رفت این بخش هشدارهای لازم در مواجهه با تهدیدات راهبردی را صادر کند، اما در رویداد اخیر نتوانست عملکرد خوبی از خود نشان دهد؛ عملیات طوفان‌الآقصی باعث شد تا فرسایش تدریجی دیوار آهنی رژیم به منصه ظهور برسد (الطنانی، ۲۰۲۴).

دلیل این موضوع می‌تواند این باشد که شاباک اساساً یک نهاد عملیاتی ضد تروریستی است و زمانی که وظایف تحقیقاتی به چنین سازمانی محول شود، نباید انتظار عملکرد بسیار مطلوب از آن داشته باشیم. از سوی دیگر، آمان نیز در سال‌های اخیر توجه خود را بیشتر بر روی جمع‌آوری بانک داده از اهداف امنیتی رژیم صهیونیستی معطوف کرده است؛ این موضوع موجب غفلت این سازمان از بررسی تهدیدات استراتژیک می‌شود.

علاوه بر این، شواهد نشان می‌دهد که با وجود ارائه گزارش‌هایی از تحلیل‌گران رده پایین، هیچ‌کس در جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی احتمال حمله گسترده به شهرک‌های مرزی را جدی نگرفت. همه این‌ها درس‌هایی را به جامعه اطلاعاتی رژیم و ایالات متحده می‌آموزد که یادآور حملات ۱۱ سپتامبر است. مهم‌ترین آموزه‌ای که می‌توان از این حملات فراگرفت این است که یک تحلیلگر اطلاعاتی باید «قدرت تخیل» (مارین، ۱۳۹۴: ۸۸)

داشته باشد. منظور از تخیل آن است که زمانی که هشدارهای متقنی درباره یک تهدید وجود ندارد، همچنان از تحلیلگران اطلاعاتی انتظار می‌رود که از تخیل خود برای شناسایی تهدیدات استفاده کنند.

انتظار می‌رود که وقایع ۷ اکتبر رژیم را وادار کند تا به‌منظور جبران نقایص سیستم اطلاعاتی خود، نظریه امنیتی خود را توسعه و تغییر دهد از جمله افزایش تعداد پرسنل ارتش و بودجه آن؛ این به معنای دور شدن از «مفهوم ارتش کوچک و هوشمند» و حرکت به سمت ارتش بزرگ و بودجه بیشتر است (بدر، ۲۰۲۴).

۳-۲-۴. سوء ادراک

گزارش ارزیابی وضعیت حماس توسط آمان و شاباک دو هفته قبل از حمله ۷ اکتبر به نتانیاها و «یوآف گالانت»^۱ وزیر دفاع اطلاع داده شد که نشان می‌داد حماس از حمله به رژیم صهیونیستی در کوتاه‌مدت منصرف شده و علاقه‌ای به تغییر وضعیت موجود ندارد. همچنین ارزیابی مشابهی نیز توسط «تزاخی هانگی»^۲ مشاور امنیت ملی و سرلشکر «تامیر هیمن»^۳، مدیر مؤسسه «مطالعات امنیت ملی»^۴ چند هفته پیش از حمله ارائه شد.

بر اساس اخباری که در اواسط دسامبر (اواخر آذرماه) فاش شد، نتانیاها در یکی از جلسات غیرعلنی حزبش که در ژوئن ۲۰۲۳ م. (تیر ۱۴۰۲) برگزار شده بود، اعتراف می‌کند که از ارزیابی جامعه اطلاعاتی در خصوص بازدارندگی‌های ایجادشده علیه حماس و عدم فوریت تهدیدهای آن خرسند است.

ژنرال «هارون هالیوا»^۵، رئیس آمان که ارزیابی‌های فوق‌الذکر را رهبری کرده بود، در سپتامبر ۲۰۲۲ م. (شهریور ۱۴۰۱) می‌گوید:

«اگرچه حماس فعالیت‌های نظامی بسیاری را علیه رژیم صهیونیستی انجام داده است، اما ما می‌توانیم نشانه‌هایی را ببینیم که این گروه به تدریج درصدد فاصله گرفتن از تنش جهت ایجاد ثبات اقتصادی و همچنین وارد کردن کارگران از غزه به رژیم

1. Yoav Gallant

2. Tzahi Hanegbi

3. Tamir Hayman

4. Institute for National Security Studies (INSS)

5. Aaron Haliva

صهیونیستی است که چنین موضوعی می‌تواند برای سال‌های پیش‌رو آرامش به همراه داشته باشد» (مالبرونوت^۱، ۲۰۲۳).

نماینده کنگره آمریکا و رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان نیز در ۱۱ اکتبر (۱۹ مهر) اعلام کردند: «ما می‌دانیم که مصر سه روز قبل از حمله به رژیم صهیونیستی هشدار داده بود که چنین رویدادی ممکن است رخ دهد.» (مگد^۲، ۲۰۲۳). این هشدار توسط نتانیاهاو جدی گرفته نشد.

همان‌طور که مشخص است، ارزیابی جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی مبنی بر اینکه سیاست‌های بازدارندگی علیه حماس مؤثر واقع شده‌اند، اشتباه بود. به نظر می‌رسد شاپاک که مسئول پوشش «اطلاعات انسانی»^۳ در غزه بود، نتوانسته در حلقه نزدیک رهبران نظامی حماس یا حتی حلقه‌های پایین‌تر نفوذ کند (جوزف و کوهن^۴، ۲۰۲۳).

این موضوع یکی از اصلی‌ترین دلایل عدم هشدار اولیه قبل از حمله بود. با وجود اینکه مقامات رژیم صهیونیستی از حمایت‌های ج.ا.ایران از حماس و در نتیجه پیشرفت‌های روزافزون این گروه در زمینه‌های مالی، آموزشی و تسلیحاتی مطلع بودند اما این‌طور فکر می‌کردند که حتی در صورت احتمال حمله زمینی، می‌توانند از طریق شبکه گسترده جاسوسی، استحکامات مرزی و ابزارهای پیشرفته نظارتی، در همان مراحل ابتدایی ج.ا.ایران و حماس را مهار کرده و جلوی حمله را بگیرند.

شاپاک و آمان در دام این تفکر افتاده و باور کردند که موانع فیزیکی تعبیه‌شده در امتداد مرزهای رژیم صهیونیستی می‌تواند از این رژیم در مقابل تهدیدات حماس محافظت کند. این اشتباه محاسباتی ناشی از دو عامل زیر بود:

الف. ارزیابی نادرست توانمندی‌های حماس،

ب. رضایت کاذب از توانمندی‌های بازدارنده ارتش رژیم صهیونیستی.

1. Malbrunot

2. Magid

3. HUMINT

4. Joseph & Cohen

۴-۲-۴. اشتباه محاسباتی

جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی شب قبل از حمله حماس در ۶ اکتبر (۱۴ مهر)، چند سیگنال مشکوک را شناسایی می‌کند، اما در طبقه‌بندی این سیگنال‌ها، آن‌ها را به‌عنوان «هشدار ضعیف» برچسب‌گذاری می‌کنند (برگمن، ۲۰۲۳).

«شومیکر»^۱ و «دی»^۲ هشدار ضعیف را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«هشدار ضعیف به یک‌سری اطلاعات رندوم یا تصادفی گفته می‌شود که در ابتدا ممکن است به‌عنوان «نویز»^۳ بی‌ارزش تلقی شوند، اما با قرار دادن آن‌ها کنار اطلاعات دیگر یا تغییر لنز تحلیل می‌توان به یک الگوی ارزشمند دست یافت.» (شومیکر و دی، ۲۰۰۹: ۵۶).

این دو محقق همچنین می‌افزایند: «زمانی که شواهد متعددی در جهت‌های متضاد وجود داشته باشند، برداشت ما معمولاً مطابق با پیش‌داوری‌هایمان شکل می‌گیرد» (همان: ۵۶).

در مورد حمله ۷ اکتبر، جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به کمک ماهواره‌های آمریکایی با نظارت بر کانال‌های ارتباطی حماس یک‌سری گفتگوهای حاشیه‌ای مشکوک را رصد کرده بود، اما زمانی که این شواهد یک روز قبل در جلسه مشترک بین سران شاباک و ارتش رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود، آن‌ها احتمال تحرک جدی از سوی حماس را پایین ارزیابی می‌کنند. این مقامات چنین ادراکی نداشتند که گفتگوهای مذکور، نشان‌دهنده آمادگی عملیاتی حماس جهت حمله به رژیم صهیونیستی است (یالدین و اونتال، ۲۰۲۴: ۲۵).

به دلیل همین سوء ادراک بود که ارتش رژیم صهیونیستی زمان حمله حماس سطح آمادگی نیروهای خود در مرزهای غزه را افزایش نداد و این نگرانی‌ها را به تصمیم‌گیرندگان ارشد گزارش نکرده بود. سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی پس از حمله حماس اعتراف کرد که این نهاد در عصر قبل از حمله، تحرکات مشکوکی از سوی

1. Schoemaker

2. Day

3. Noise

4. Schoemaker & Day

5. Yaldin & Evental

نیروهای حماس در نزدیکی حصار پیرامونی غزه مشاهده کرده اما بنا به سوء ادراکی که از قبل در باور ایشان مبنی بر وجود بازدارندگی در مقابل حماس (مقومی، ۱۴۰۳: ۲۴) شکل گرفته بود، هیچ هشدار اطلاعاتی دقیقی برای مواجهه با این حادثه مطرح نکردند. این در حالی است که «هشدار سریع» در زمان شکست بازدارندگی یکی از اصول دکترین نظامی رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رفت که در این عملیات ناکام ماند (محمدی‌منفرد، ۱۴۰۲: ۱۸۹).

بر اساس اطلاعاتی که تاکنون در مورد شکست رژیم صهیونیستی در حمله ۷ اکتبر منتشر شده، به نظر می‌رسد که آمان و شاباک اطلاعات هشداردهنده مشخصی در مورد نیت فوری حماس برای یک حمله همه‌جانبه و گسترده جمع‌آوری نکرده بودند. به عبارتی دیگر، حماس موفق شده بود تا با پنهان کردن مقاصد خود و انجام عملیات‌های فریبکارانه، رژیم صهیونیستی را به این باور برساند که میزان افراط‌گرایی خود را تعدیل کرده و تمرکز خود را به حکومت دوفاکتو غزه معطوف نماید.

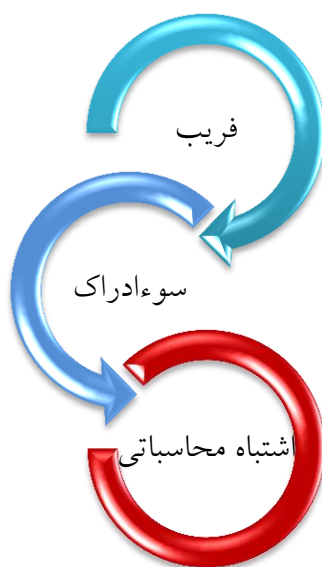
با این وجود، بر اساس شواهد جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی پیش از حمله حماس به اطلاعات مهمی دست یافته بود؛ یکی از تحلیلگران رده‌پایین واحد ۸۲۰۰ ارتش رژیم صهیونیستی، گزارشی تهیه کرده بود که حمله حماس را به‌خوبی پیش‌بینی می‌کرد. این گزارش که توسط مقامات رژیم صهیونیستی با رمز «دیوار اریحا» مشخص شده، یک طرح ۴۰ صفحه‌ای بود که جزئیات اصلی حمله به رژیم صهیونیستی را ترسیم می‌کرد؛ اما در این گزارش تاریخ معینی برای آغاز حمله مشخص نشده بود.

گزارش دیوار اریحا با استناد به رزمایش اخیر شاخه نظامی حماس با حضور رهبران ارشد این گروه و پوشش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فلسطینی، درباره تحرکات مشکوک حماس هشدار داده بود. همچنین این گزارش برای اتقان بیشتر بخش نتیجه‌گیری خود، به مقادیر زیادی از اطلاعات انباشته‌شده توسط واحد ۸۲۰۰ تکیه کرده بود. با این وجود، تحلیلگر مذکور موفق نشد تا فرمانده خود را برای آماده‌سازی واقعی متقاعد

کند. افسران ارشد با این فرض که حماس توانایی حمله در چنین مقیاسی را ندارد، این گزارش را نادیده گرفته و به این ادراک رسیدند که هشدار درباره برنامه‌های حماس «غیرواقعی» است (دانلوی^۱، ۲۰۲۳).

علاوه بر گزارش چهل صفحه‌ای ذکر شده، اطلاعات مهم دیگری نیز از طریق پست‌های دیده‌بانی ارتش در امتداد مرز غزه و رژیم صهیونیستی جمع‌آوری شده بود. این اطلاعات با تصور اینکه همانند دفعات مکرر پیشین، جزو آموزش‌های ویژه حماس است، نادیده گرفته شدند (زیتن^۲، ۲۰۲۳). افسران ارشد ارتش که این هشدارها را دریافت کرده بودند، چنین درکی داشتند که این هشدارها با یکدیگر مرتبط نیستند.

بنابراین، اگرچه آمان اطلاعات باکیفیتی در زمینه آمادگی‌ها و قابلیت‌های عملیاتی حماس جمع‌آوری کرده بود، اما درک کافی در روند تصمیم‌گیری در خصوص این اطلاعات وجود نداشت. در جمع‌بندی علل چهارگانه فوق می‌توان چرخه غافلگیری رژیم صهیونیستی در عملیات ۷ اکتبر را به صورت گراف زیر نمایش داد:



شکل شماره ۲. چرخه غافلگیری رژیم صهیونیستی در عملیات ۷ اکتبر

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱. نتیجه‌گیری

حمله ناگهانی حماس به رژیم صهیونیستی در ۷ اکتبر علاوه بر غافلگیری تاکتیکی، یک غافلگیری استراتژیک محسوب می‌شود. این حمله را می‌توان جزو غافلگیری‌های «متمرکز» طبقه‌بندی کرد. حمله ۷ اکتبر از طریق تلاش‌های هدایت‌شده از سوی یکی از طرفین منازعه (یعنی حماس) و با استفاده از پنهان‌کاری و تقلب جهت به‌دست‌آوردن مزیت علیه حریف (یعنی رژیم صهیونیستی) صورت گرفت. نتیجه این حمله یک غافلگیری ناگهانی برای رژیم صهیونیستی و جامعه اطلاعاتی آن بود.

فریب راهبردی، یکی دیگر از دلایل موفقیت حماس بود. این گروه توانست رهبران نظامی و غیرنظامی رژیم صهیونیستی را به این ادراک برساند که پس از شکست در دوره‌های قبلی تنش (مانند عملیات نگهبان دیوارها)، از اقدام نظامی ناامید شده و از این‌پس درصدد تمرکز بر کنترل سیاسی بر نوار غزه خواهد بود. عدم مشارکت حماس در دو دور آخر تنش بین رژیم صهیونیستی و سازمان جهاد اسلامی فلسطین در ماه می ۲۰۱۹م. (اردیبهشت ۱۳۹۸) و می ۲۰۲۱م. (اردیبهشت ۱۴۰۰) در ظاهر گواهی بر این مدعا بود. این روایت به‌قدری برای رژیم صهیونیستی و جامعه اطلاعاتی آمریکا مطلوب و وسوسه‌کننده بود که تصمیم گرفت آن را باور کند.

جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی انتظار داشت که جامعه اطلاعاتی ایالات متحده به‌عنوان یک پشتیبان سپر امنیتی، هشدار و تحلیل‌های به‌موقع صادر کند. این دولت چنین تصور می‌کرد که حتی اگر هشدار صادر نشود و حماس حمله را انجام دهد، ارتش رژیم صهیونیستی توانایی رویارویی با آن را خواهد داشت. این‌ها حاصل سوء ادراک و برداشت اغراق‌آمیز دولت رژیم صهیونیستی از توانمندی‌های نظامی و اطلاعاتی خود و انگیزه رقیب (حماس) بود.

تجربه همواره نشان داده زمانی که سوگیری‌های شناختی بر ارزیابی‌های منطقی غالب شوند، برتری به دشمن منتقل می‌شود و چنین امری پیش‌بینی و جلوگیری از غافلگیری را

با چالش مواجه می‌کند؛ این دقیقاً اتفاقی بود که در حمله ۷ اکتبر رخ داد. نقص اطلاعات باعث عدم درک کافی از وضعیت می‌شود و اطلاعات کافی نیز می‌تواند به راحتی تحت تأثیر سوگیری ادراکی خدشه دار شده و غافلگیری راهبردی در پی داشته باشد.

۲-۵. پیشنهادات

به عنوان پیشنهاد برای پیشگیری از سوء ادراک در فرایند تحلیل اطلاعاتی لازم است تلاش بیشتری به منظور افزایش آگاهی و شناخت کافی (در مرحله اول از خود و سپس از دشمن) داشته باشیم و فهرست کاملی از علائم و هشدارها مربوط به وضعیت و شرایط فعلی و سناریوهای آینده در اختیار داشته باشیم. در این خصوص توصیه‌های راهبردی زیر قابل توجه است:

- ❖ بهره‌گیری از هوش مصنوعی به منظور کاهش اثرات منفی عامل انسانی بر تحلیل‌های اطلاعاتی مانند سوء ادراک. در این حوزه لازم است هوش مصنوعی به عنوان ابزاری به منظور اعتبارسنجی و نه عامل تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار بگیرد؛
- ❖ آموزش نیروهای تحلیلگر اطلاعاتی و ارتقای سطح خودشناسی به منظور کاهش احتمال دچار شدن به تله‌های شناختی و سوگیری‌های ادراکی؛
- ❖ طراحی راهبردها و الگوی تهاجمی به منظور مدیریت ادراک دشمن و تغییر منطق محاسباتی آن در قبال ج.ا.ایران.

منابع

الف-فارسی

- پورحسن، ناصر (۱۴۰۲). «پیامدهای عملیات طوفان‌الاقصی بر توافق ابراهیم»، *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۲۴(۳)، ۶۸-۵۳.
- تاجیک، هادی؛ محمدی منیع، احسان (۱۴۰۰). *تهاجم اطلاعاتی؛ مفاهیم، مبانی و رویکردها*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین^(ع).
- جوزف، یوری‌بار (۱۳۹۹). *مداخله اطلاعات در سیاست کشورهای دموکراتیک*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات و امنیت ملی.
- قاضی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۹). «غافلگیری راهبردی و حکمرانی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۳(۴)، ۱۷۴-۱۴۷.
- کلارک، رابرت.ام؛ میتچل، ویلیام.ال (۱۳۹۹) *فریب، ضد فریب و ضد اطلاعات*، ترجمه احسان محمدی منیع و حسین عربیان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین^(ع).
- کلهر، رضا (۱۳۸۱). «اطلاعات در جنگ نامتقارن: درسی از یازدهم سپتامبر»، *مجله سیاست دفاعی*، ۱۰(۳۸)، ۵۲-۳۱.
- گنجیان مقدم، علیرضا؛ جعفری، علی‌اکبر (۱۴۰۳). «تقابل سیاست خارجی ایران-آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی در غرب آسیا (تأکید بر عملیات ۷ اکتبر و وعده‌ی صادق)»، *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، ۸(۳)، ۴۶-۹.
- مارین، استفان (۱۳۹۴). *بهبود تحلیل اطلاعات: پلی میان دانش و عمل*، امیر مصطفوی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
- محمدی منفرد، حسن (۱۴۰۲). «بررسی نتایج عملیات طوفان‌الاقصی بر اساس دکترین نظامی رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، ۷(۳)، ۲۰۲-۱۷۳.
- مشیرزاده، حمیرا؛ افراسیابی، شایان (۱۳۹۶). *رویکرد ادراکی در تحلیل سیاست خارجی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- مقومی، امیررضا (۱۴۰۳). «واکاوی پیامدهای طوفان‌الأقصى بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۸(۱)، ۴۸-۹.
- میرمحمدی، مهدی (۱۴۰۲). *سازمان‌های اطلاعاتی و سیاست خارجی: مطالعه موردی نقش سازمان سیا در سیاست خارجی آمریکا*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- نادری، علیرضا (۱۴۰۴). *الگوی تهاجمی تغییر منطق محاسبات ایالات متحده در قبال ایران*، رساله دکتری، دانشگاه جامع امام حسین^(ع).
- والتز، ادوارد (۱۳۹۰). *عملیات و اصول جنگ اطلاعات*، ترجمه غلامعلی جانگداز، تهران: دانشکده امام باقر^(ع).
- هندل، مایکل (۱۳۸۹). *جنگ، راهبرد و اطلاعات*، علیرضا فرشچی و احمدرضا تقاء، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین^(ع).

ب- عربی

- الطناني، احمد (۲۰۲۴). «عام بعد الطوفان. «إسرائيل» تقاقل لمحو الواقع الذي فرضته المقاومة في ۷ أكتوبر»، *مركز عروبة للأبحاث والتفكير الاستراتيجي*، ۱۱ أكتوبر، <https://orouba.ps/post/440/>
- بدر، اشرف (۲۰۲۴). «تأثير السابع من أكتوبر على النظرية الأمنية الإسرائيلية»، *المركز الفلسطيني لأبحاث السياسات والتفكير الإستراتيجي-مسارات*، ۰۵ حزيران، <https://www.masarat.ps/article/6269/>.

ج- انگلیسی

- Amnesty International (2021). “*Operation ‘Cast Lead’ Facts and Figures*”, Available at: www.amnesty.org/en/wp-content/uploads/2021/07/mde150212009_eng.
- Belikov, Sari Makover (2024). “Major General Giora Ailand Explains”, *Maariv*, 19 January, Available at: <https://www.maariv.co.il/news/military/Article-1069074>
- Bergman, Ronen (2023). “The Lights Were Not On”, *Ynet*, 24 December, Available at: www.ynet.co.il/news/article/yokra13729290?utm_source=

ynet.app.ios&utm_term=yokra13729290&utm_campaign=general_share&utm_medium=social&utm_content=Header

- Bergman, Ronen and Goldman, Adam (2023). "Israel Knew Hamas's Attack Plan More Than a Year Ago", *New York Times*, 30 November, Available at: <https://www.nytimes.com/2023/11/30/world/middleeast/israel-hamas-attack-intelligence.html>
- Betts, Richard K (1978). "Analysis, War, and Decision: Why Intelligence Failures Are Inevitable", *World Politics*, 31(1).
- Betts, Richard K (2002). "Fixing Intelligence," *Foreign Affairs*, 81, pp. 43–59.
- Betts, Richard K (2007). "Two Faces of Intelligence Failure: September 11 and Iraq's Missing WMD", *Political Science Quarterly*, 22(4), pp. 585–606.
- Betts, Richard K (2016). *Surprise Attack: Lessons for Defense Planning*. Washington: Brookings Institution.
- Dahl, Eric (2013). *Intelligence and Surprise Attack: Failure and Success from Pearl Harbor to 9/11 and Beyond*, Washington: Georgetown University Press, pp. 9–14, 128–129, 158–159.
- Donlevy, Kathrine (2023). "Israel had Hamas Attack Plan Year before Oct. 7 Invasion, but Officials Dismissed as 'Imaginative'", *New York Post*, 30 November, Available at: www.nypost.com.
- Editorial (2014). "Hamas Was Severely Beaten", *Israel Hayom*, 27 August, Available at: <https://www.israelhayom.co.il/article/213857>
- Eldar, Akiva (2009). "The IMI Did Not Expect the Win of the Hamas and Its Control of Gaza Strip—Intelligence Failure? Not Necessarily", *Haaretz*, 9 January.
- Gat, Azaar (2024). "Strategic Surprise-Always?", *INSS Insight*, 1893, September 18, Available at: <https://www.inss.org>
- Gentry, Jhon; Gordon, Joseph S (2019). *Strategic Warning Intelligence: History, Challenges and Prospects*, Washington: Georgetown University Press, pp. 27–53.
- Grinberg, Hanan (2023). "Senior IDF Officer Reveals about the Tunnels", Ynet, 21 January, Available at: <https://www.ynet.co.il/articles/0,7340,L-3659383,00.html>
- Handel, Michael (1984). "Intelligence and the Problem of the Strategic Surprise", *Journal of Strategic Studies*, 7/3, p. 230.

- Harel, Amos (2023). "The Surprise Will Come, The Question Is How the IDF Will Get Ready", *Haaretz*, 24 September, in Hebrew.
- IDF (2012). "Operation Pillar of Defense", Available at: idf.il/en/minisites/wars-and-operations/operation-pillar-of-defence/operation-pillar-of-defense/.
- Joseph, Uri Bar; Cohen, Avner (2023). "How Israel's Spies Failed—And Why Escalation Could Be Catastrophic", *Foreign Policy*, 19 October, Available at: <https://foreignpolicy.com>.
- Joseph, Uri Bar; McDermott, Rose (2017). *Intelligence Success and Failure: The Human Factor*, New York: Oxford University Press.
- Kam, Ephraim (2004). *Surprise Attack: The Victim's Perspective*, Boston, MA: Harvard University Press, pp. 7–36.
- Kamp, Fredrich (2011). (Berlin:1961). The emergence of ISIS can be viewed as a concentrated surprise that was the result of a wrong assessment of the organization's capabilities and intentions. See Michael Brenner, "Intelligence Failure in Iraq," *Huffington Post*, 30 June 2014, <https://www.huffpost.com>.
- Kurtz, Anat; Brum, Shlomo (2014). "Protective Edge, Lessons and Implications", Tel Aviv: *Institute for National Security Studies*, Available at: www.inss.org.il/publication/the-lessons-of-operation-protective-edge/
- Levite, Ariel (1987). *Intelligence and Strategic Surprise*, New York: Columbia University Press, pp. 173–188.
- Magid, Jacob (2023). "Top US Lawmaker Affirms Cairo Warned Israel Days before Onslaught", *Times of Israel*, 11 October, Available at: <https://www.timesofisrael.com/top-us-lawmaker-affirms-cairo-warned-israel-days-before-onslaught/>
- Malbrunot, Georges (2023). "How Hamas Organized Its Attack on Israel in Secrecy", *Le Figaro*, 26 December, Available at: [www.lefigaro.fr/international/comment-le-hamas-a-organise-dans-le-plus-grand -secret-son-attaque-contre-israel-20231226](https://www.lefigaro.fr/international/comment-le-hamas-a-organise-dans-le-plus-grand-secret-son-attaque-contre-israel-20231226).
- McKernan, Brian (2023). "Israel and Hamas at War after Surprise Attacks from Gaza Strip", *The Guardian*, 7 October, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2023/oct/07/hamas-launches-surprise-attack-on-israel-as-palestinian-gunmen-reported-in-south>.
- MFA (2008). "Operation Cast Lead", Ministry of Foreign Affairs, Available at: <https://www.gov.il/en/departments/general/operation-cast-lead>

- Murphy, Dan (2012). "How Many Rockets Were Fired from Gaza at Israel This Year?", *Christian Science Monitor*, 15 November, Available at: www.csmonitor.com.
- Ripley, Tim (2003). *The Wehrmacht: The German Army in World War II, 1939-1945 (The Great Armies)*, London: Routledge.
- Schoemaker, Paul; Day, George (2009). "How to Make Sense of Weak Signals?", *MIT Sloan Management Review*, at: www.maariv.co.
- SCI (2023). *State Comptroller of Israel, Report about Operation Defensive Edge*, Walla, 15 December, Available at: <https://news.walla.co>.
- Tetlock, P.; McGuire, C (1986). *Cognitive Perspectives on Foreign Policy*, In S. Long, ed, Political Behavior Annual, Vol. 1. Boulder CO: Westview Press.
- *Warning, Response and Deterrence*. London: Routledge.
- Whaley, Barton (2007). *The prevalence of Guile: Deception Through Time and across cultures and disciplines*, essay prepared for the foreign denial and deception committee, DNI, Washington, DC, <https://cryptome.org>.
- Winer, Stuart (2013). "Netanyahu: Gaza War Caused 98% Drop in Rocket Fire", *Times of Israel*, 1 November, Available at: www.timesofisrael.com.
- Wirtz, James J (2017). *Understanding Intelligence Failure*.
- Wirtz, James J (2023). "Are Intelligence Failures Still Inevitable?" *International Journal of Intelligence and CounterIntelligence*, 37(1), pp. 307-330, Available at: <https://www.tandfonline.com>
- Wirtz, James J (2024). "Michael Handel, October 7, and The Theory of Surprise", *Military Strategy Magazine*, 9(3), Special Issue, What Would the Greats Say About War in the 21st Century, pp. 4-10.
- Wohlstetter, Roberta; Harbor, Pearl (1962). *Warning and Decision*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Wohlstetter, Roberta; Harbor, Pearl (2023). *Warning and Decision*, Tel Aviv: Maaracot Publishing, Modan Publishing.
- Wyss, Michel (2024). "The October 7 Attack: An Assessment of the Intelligence Failings", *Combating Terrorism Center at West Point*, October, 17(9), Available at: <https://ctc.westpoint.edu/>
- Yadlin, Amos; Evental, Udi (2024). "Why Israel Slept: The War in Gaza and the Search for Security", *Foreign Affairs*.
- Zeito, Yoav (2023). "There Were Some Indications before the Attack", *Ynet*, 12 October, in Hebrew, Available at: www.ynet.co.il.